لا نذرکم به ومن بلغ ائنکم لتشهدون ان مع الله الهة اخری قل لا
اشهد قل انما هو اله واحد واننی بریء مما تشرکون الذین اتیناهم الکتاب
یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون
اوست قاهر و غالب بر بالای بندگان خویش اورا قهر نتوانند کردن و برو غالب
نتوانند شدن و او حکیم است انچه کند بحکمت و صواب کند تا کسی را گمان
ان نبود که بر بظلم کند بلکه بعدل کند خبیر و اگاه و دانا اوست باحوال بندگان
و مصالح ایشان در خیر و شر و نفع و ضر و صحت و سقم و ضیق و سعت
تا بجست انچه داند می فرماید انگه گفت ای محمد که چه چیزست و کدام چیزاست
که بزرگترست و بزرگوارتر است بگواهی دادن و این چنان بود که مشرکان
مکه نزدیک رسول ع امدند و گفتند ای محمد هیچ پیغمبری این نگفت که تو می گویی
و کسی نمی بینیم که ترا تصدیق کند این که تو می گویی جهودان و ترسایان نیز ترا
بر سیرم احوال تو گفتند که ما ذکر خود ادر کتاب نمی یابیم اخر گواه تو کیست
برین دعوی که تو میکنی خدای تعالی این ایت فرستاد و گفت بگو ای محمد که چیزست
که عظیم تراست بگواهی اگر ایشان جواب دهند و اگر نه تو جواب ده و بگوی

که خدای است

٣٦

که خدای است که چنین است و او گواه است میان من و شما و این قران
بر من وحی کرده اند و فرستاده تا من شما را باز بترسانم و نیز انکس که قران
باو رسد یعنی عصر را و انان را که از پس من باشند تا روز قیامت و در
ایت دلیل است بر انکه اهل عصر رسول و انانکه پس از ان باشند
تا بروز قیامت بفرمان مخاطبند و مکلف اگر چه از روی ظاهر خطاب
با اهل عصر رسول موجه است رسول علیه السلام گفت بلغوا عنی ولو
ایة برسانید از من و اگر ایتی باشد و هر کس را که یکی ایت از قران برسیده
باشد فرمان خدای باو رسیده باشد مجاهد را پرسیدند که کیست که دعوت ای
باو نرسیده باشد گفت هر کجا که قران رسیده باشد محمد بن کعب گفت که هر کس که
قران باو رسید هم چنان باشد که رسول ع را دیده و از و شنیده انگه خدای تعالی فرمود
که ای شما گواهی می دهید گفت که با خدای تعالی خدایانی دیگرند بگو ای محمد اگر شما
این گواهی می دهید من این گواهی نمی دهم و این نمی گویم بگوی که خدای تعالی
یکی است و جز او خدای نیست و من که محمدام بیزارم از انچه شما انرا انباز ان
خدای کرده اید از اول سوره تا اینجا احتجاج بر مشرکان انگه از اینجا اغاز

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)